

## رویکرد جامعه شناختی به پدیده عوام‌گرایی کیفی

فاطمه دهدارزاده<sup>۱\*</sup>

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۴/۲۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۳/۲۰

DOI:10.30495/JISDS.2022.67976.11750

### چکیده

اتخاذ رویکردهای مبتنی بر عوام‌گرایی کیفی از جانب متولیان و سیاست‌گذاران جنایی، یکی از مهم‌ترین آسیب‌های پیش‌روی نظام‌های مختلف عدالت کیفی و سیاست جنایی در دهه‌های اخیر بوده است. این پژوهش با در نظر گرفتن تمامی پژوهش‌های انجام شده پیشین در حوزه مورد بحث و به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از ابزار مطالعات کتابخانه‌ای، به دنبال مطالعه پدیده عوام‌گرایی کیفی با رویکرد جامعه شناختی است؛ به بیان دیگر، تبیین و تحلیل بسترهای اجتماعی شکل‌گیری عوام‌گرایی کیفی، مهم‌ترین هدف و دغدغه نگارنده از انجام پژوهش پیش‌روی می‌باشد. یافته‌های نگارنده حاکی از آن است که بسترها و زمینه‌های اجتماعی متعددی منجر به پیدایش پدیده عوام‌گرایی کیفی در سطح نظام عدالت کیفی و سیاست جنایی می‌گردند که از مهم‌ترین آنها میتوان به ضعف یا فقدان آگاهی عمومی، تأثیر غیرقابل انکار رسانه‌های گروهی و همچنین احساس فزاینده ترس از جرم در سطح افکار عمومی اشاره نمود. به نظر می‌رسد مهار زمینه‌های اجتماعی به وجودآورنده عوام‌گرایی کیفی، مستلزم عزم جدی نهادهای متولی فرهنگی، رسانه‌ای و کیفی، وجود ساز و کار هماهنگ‌کننده قانونی میان نهادهای مزبور و نیز بهره‌گیری از تجربیات کشورهای غربی در این زمینه است.

**واژگان کلیدی:** بستر اجتماعی، ترس از جرم، رسانه‌های گروهی، سیاست جنایی، عوام‌گرایی کیفی

<sup>۱</sup> استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

## مقدمه

از مؤلفه‌های اصلی جامعه دموکراتیک، بها دادن به افکار عمومی پیرامون مسائل مختلف جامعه است و امروزه تمرکز بر افکار عمومی به عنوان پایه سیاست‌گذاری‌ها به ویژه سیاست‌گذاری کیفری<sup>۱</sup>، رکن اصلی اندیشه‌های سیاسی محسوب می‌شود. از طرف دیگر، مداخله ساختار سیاسی در حوزه سیاست کیفری، حقوق کیفری را به مسئله مهم اجتماعی با کارکرد تبلیغاتی و سیاسی تبدیل کرده است. این دو مؤلفه اساسی (تمرکز بر افکار عمومی و دخالت ساخت سیاسی) رویکرد بدیع و جدیدی را با نام «عوام‌گرایی کیفری» به وجود آورده است؛ اتخاذ سیاست‌های کیفری، همسو و همگام با پنداشته‌های عمومی، ناشی از همین رویکرد است؛ به عبارت دیگر، عوام‌گرایی کیفری همواره به نقش سرنوشت‌ساز باورهای مردم در سیاست جنایی<sup>۲</sup> می‌پردازد و همواره در تلاش برای جهت‌دهی به افکار مردم به سوی خواسته‌های خود است تا علاوه بر کسب مقبولیت و محبوبیت مردمی، سیاست‌های خاص خود را از این طریق دیکته کند (قماشی و احمدی، ۱۳۹۷: ۱۳). عوام‌گرایی کیفری، هنگامی ظهور می‌کند که سیستم عدالت کیفری برای پاسخ‌گویی به نگرانی‌های عمومی راجع به افزایش نرخ جرائم، به جای استفاده از راه‌حل‌های منطقی و علمی - که مورد تأیید کارشناسان و نخبگان است - به راه حل‌های سریع و ساده که هیچ توجیه علمی ندارند، متوسل شود. چنین رویکردی سبب می‌شود مبنای علمی، اثربخشی و عادلانه بودن سیاست‌ها نادیده گرفته شده و مدیران بخش‌های مختلف دستگاه عدالت کیفری، به جای یک واکنش مناسب و سازمان‌یافته در رویارویی با پدیده‌های مجرمانه، تحت فشار افکار عمومی و رسانه‌های گروهی، عموماً به نشان دادن شدت عمل بیشتری از خود مجبور شوند تا به سهل‌انگاری در مبارزه با جرم متهم نشوند (حسینی و اسمعیل زاده، ۱۳۹۳: ۲۰۲). این رویکرد سختگیرانه و غیرعلمی در کنترل پدیده بزهکاری که خاستگاه اولیه آن کشورهای غربی به خصوص آمریکا بوده است<sup>۳</sup>، تهدیدی برای سایر کشورها هم محسوب می‌شود و اگر این پدیده شناسایی نشود و موانعی برای آن در نظر گرفته نشود، گریبان‌گیر دیگر کشورها نیز خواهد شد (سلحشور، ۱۳۹۴: ۳). ظهور عوام‌گرایی کیفری، بازتاب تغییر جهت اساسی در محورهای قدرت کیفری معاصر است که به واسطه همین تغییرات، به وجود آمده است؛ اگرچه وسعت این تغییرات از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت بوده و به شرایط محلی آن‌ها بستگی دارد (هژبرالساداتی، ۱۳۸۹: ۱۳)؛ بر مبنای

۱ «کیفر» در لغت به معنی عقوبت و مجازات است و کسی که خلاف قانون یا اخلاق یا عرف و عادت رفتار کرده و مرتکب عمل بد شده باشد، مجازات می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷: ۵۷۹). برای واژه «سیاست» نیز سه معنی ذکر شده است که عبارتند از: ۱- اصول اداره کشور در شئون مختلف آن. ۲- به معنی کیفر آمده است که این استعمال قدیمی است. ۳- مسائل راجع به اصول اداره و قوانین اساسی مملکت و دولت (همان: ۳۷۱)؛ به عبارت روشن‌تر، سیاست کردن و حکم راندن بر رعیت و اداره امور مملکت، متضمن تنبیه کردن و کیفر دادن نیز می‌باشد (معین، ۱۳۷۳: ۵۹۶). بر این مبنای، سیاست کیفری را به مقابله با ارتکاب بزه با ابزار کیفری تعریف نموده اند (مهرا و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۷۵) که همانند سایر سیاست‌های دولتی، دارای الگوهای خاص بوده و مشتمل بر ارکانی همچون جرم‌انگاری و کیفردهی می‌باشد.

۲ در پایان قرن هجدهم میلادی برای نخستین بار اصطلاح سیاست جنایی توسط «کالینشرد» و «فوترباخ» بکار برده شد. آنسلم فون فوترباخ در کتاب حقوق کیفری خویش - که در سال ۱۸۰۳ میلادی منتشر نمود - مفهومی بسیار مضیق از سیاست جنایی ارائه می‌دهد؛ از نظر وی سیاست جنایی، مجموعه شیوه‌های سرکوبگرانه‌ای است که دولت با استفاده از آنها علیه جرم واکنش نشان می‌دهد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۰: ۱۶۳). در دهه‌های اخیر، تفسیر موسع‌تری از سیاست جنایی ارائه شده است. در این تفسیر از پاسخ به پدیده مجرمانه سخن به میان آمده است و نشان دهنده این است که سیاست جنایی تنها بر اعمال مجازات و واکنش کیفری متمرکز نیست؛ بلکه شامل دیگر پاسخ‌های هیأت اجتماع نیز می‌گردد (دلماش مارتی، ۱۳۹۵: ۲۸). در سیاست جنایی به مفهوم امروزی - که به رویکرد موسع نزدیک‌تر است - پاسخ‌ها جنبه کیفری صرف ندارند و پاسخ‌های پیش‌بینی شده در حقوق اداری، مدنی، انضباطی و ... نیز بخشی از سیاست جنایی محسوب می‌شوند که علیه پدیده مجرمانه به کار گرفته می‌شوند. به‌علاوه پاسخ‌ها تنها از طریق مجاری رسمی و دولتی ارائه نمی‌گردد؛ بلکه جامعه مدنی و نهادهای مردمی نیز به‌طور غیررسمی و با روش‌های مختلف در کنترل پدیده مجرمانه مداخله می‌کنند؛ بنابراین می‌توان مدعی گردید که سیاست جنایی تنها در قالب و چارچوب حقوق کیفری و جرم‌شناسی نمی‌گنجد؛ بلکه در یک طرح کلی و سیاست اجتماعی یک کشور معین قرار می‌گیرد.

۳ در سال‌های اولیه دهه ۱۹۷۰ میلادی برابر با ۱۳۵۰ شمسی و با اعلام رسمی شکست سیاست اصلاح و درمان در کشورهای غربی، شاهد ظهور رویکردهای متفاوتی در جرم‌شناسی و سیاست کیفری هستیم. این رویکردها از یک سو با زیرسؤال بردن نظام عدالت کیفری، از طریق رویکردهای واکنشی اجتماع محور، به دنبال النای آن و اتخاذ جایگزین‌های دیگری برای حقوق کیفری بود؛ از سوی دیگر، با تأکید بر سخت‌گیری و شدت‌گرایی نسبت به مجرمان، ملایمت بیش از حد دستگاه قضایی را علت اصلی افزایش جرایم و ناامنی معرفی می‌کردند. سخت‌گیرانه شدن سیاست کیفری با فاصله گرفتن از دیدگاه‌های مجرم محور و جنبش دفاع اجتماعی و بازگشت به دیدگاه‌های کلاسیک، اساس توجه خود را بر جرم قرار می‌دهد (الهی‌منش و تقی‌زاده، ۱۳۹۷: ۱۲۵-۱۲۴). در پی این تحولات و وقایع، سیاستمداران و ایدئولوژی‌های سیاسی محافظه‌کار، اکثر آراء را در حوزه‌های انتخاباتی بسیاری از کشورها به خود اختصاص دادند و از آن پس، مسأله «قانون و نظم» بود که به موازات معضل سطح بالای بیکاری در جوامع، به عنوان دغدغه عمده و مهم اجتماعی ظاهر گردید (غلامی، ۱۳۸۹: ۴۳۹)؛ امروزه نیز این گونه سیاست سخت‌گیرانه‌ی سیاست‌زده یا عوام‌گرا به صورت رویکرد غالب در سیاست کیفری بیشتر کشورهای غربی دیده می‌شود.

آنچه گفته شد، در پژوهش پیش‌روی بر آن شدیم تا با استفاده از ابزار مطالعات کتابخانه‌ای و روش توصیفی - تحلیلی، به تبیین و ارزیابی جامعه‌شناسانه‌ی پدیده عوام‌گرایی کیفری با تمرکز بر شناخت بسترها و زمینه‌های اجتماعی آن پردازیم؛ به بیان دیگر، پرسش اصلی پژوهش را می‌توان این‌گونه مطرح نمود که مهمترین و شاخص‌ترین بسترهای اجتماعی شکل‌دهنده و به وجودآورنده عوام‌گرایی کیفری چیست؟ بدیهی است که پیش از ورود به مباحث اصلی، آشنایی مختصر با پیشینه پژوهش و نیز مفهوم یا مفاهیم کلیدی آن، ضروری به نظر می‌رسد.

### پیشینه پژوهش

در چارچوب موضوع این مقاله و در میان پژوهش‌های انجام شده، آثار گران‌قدری به جامعه علمی کشور عرضه گردیده که هر یک از منظری متفاوت به پدیده عوام‌گرایی کیفری پرداخته‌اند و در این پژوهش نیز به فراخور ارتباط موضوعی، قطعاً مورد استفاده واقع خواهند شد. به عنوان نمونه مقدسی و فرجیها (۱۳۹۷)، در مقاله‌ای با عنوان «واکنش‌های کیفری عوام‌گرا در مقابله با جرایم خشونت‌بار در ایران» با بیان اینکه واکنش‌های کیفری پلیسی و قضایی به منظور مقابله با جرم‌های خشونت‌بار از ظرفیت‌های بالایی برای تأثیرپذیری از افکار عمومی و نفوذ اندیشه‌های عوام‌گرایانه برخوردار است و بسیاری از مقام‌های انتظامی و قضایی مسئول کنترل جرم در کشورهای مختلف، معمولاً با طرح وعده‌ها و شعارهای عامه‌پسند، ولی فاقد مبنای علمی، به دنبال جلب اعتماد عمومی نسبت به کارایی و اثربخشی این سیاست‌ها برمی‌آیند، درصدد برآمدند تا با استفاده از روش نمونه‌پژوهی، ابعاد و جنبه‌های مختلف رویکردهای عوام‌گرایانه را در سیاست‌های کیفری ناظر بر مقابله با جرایم خشونت‌بار توصیف کنند. در ابتدا ابعاد مختلف عوام‌گرایی کیفری در سطح حقوق کیفری تطبیقی مطرح و سپس ضمن جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اسناد و مدارک مرتبط با موضوع، جلوه‌های این نگرش در نظام عدالت کیفری ایران مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های این تحقیق نشان داد که سیطره اندیشه‌های عوام‌گرایانه بر حوزه تدابیر و اقدام‌های کنترل جرم‌های خشونت‌بار پیامدهای گوناگونی از جمله پاسخ‌های شتاب‌زده قانونگذار به انتظارات عمومی، نادیده انگاشتن موازین دادرسی عادلانه، اتخاذ تدابیر سرکوب‌گرانه و اجرای نمایش‌گونه جلسات محاکمه و کیفرها را به همراه داشته است. سلحشور (۱۳۹۴) نیز در پایان‌نامه‌ای با عنوان «مبانی و مصادیق عوام‌گرایی در قوانین کیفری ایران»، عوام‌گرایی کیفری را به عنوان مصداق بارز سیاست جنایی اقتدارگرای فراگیر<sup>۱</sup> قلمداد می‌کند که حول محور رویکرد امنیت‌گرا<sup>۲</sup> می‌چرخد و با فراموشی نظریات علمی، هم در قوانین ماهوی و هم در قوانین شکلی، منجر به نقض اصولی از جمله اصول دادرسی منصفانه<sup>۳</sup> و اصل تناسب جرم و مجازات شده است؛ بر این مبنای، نویسنده، قوانین ماهوی و شکلی ایران و

۱ سیاست جنایی بر مبنای میزان مداخله دولت، می‌تواند اشکال و هویت‌های گوناگونی به خود بگیرد که مدل لیبرال (دموکرات)، مدل اقتدارگرا و مدل اقتدارگرای فراگیر از آن جمله‌اند (مندی، ۱۳۹۴: ۶۶). در مدل اقتدارگرا، پاسخ به بزه و انحراف از سوی دولت داده می‌شود و گروه‌های اجتماعی و جامعه مدنی، امکان پاسخ دادن به پدیده مجرمانه را ندارند. در مدل اقتدارگرای فراگیر، بزه و انحراف از یکدیگر تفکیک نشده و پاسخ لازم از سوی دولت داده می‌شود و در مدل لیبرال (دموکرات)، کنترل تمام پاسخ‌ها نسبت به پدیده مجرمانه بر عهده دولت نمی‌باشد و پاسخ به انحرافات که بخشی از پدیده مجرمانه است، بر عهده گروه‌های اجتماعی و جامعه مدنی می‌باشد.

۲ امنیت‌گرایی را می‌توان عبارت از برداشت یک‌جانبه و حاکمیتی از مفهوم امنیت و نادیده انگاشتن حقوق و آزادی‌های فردی به بهانه برقراری امنیت دانست (توجهی و دهقانی، ۱۳۹۲: ۱۰). در این حالت، با وجود اهمیت یافتن امنیت هرچند به طور صوری، هیچ احساس امنیتی مشهود نمی‌باشد (توجهی و برنجی اردستانی، ۱۳۹۱: ۶۸). در سیاست جنایی مبتنی بر امنیت‌گرایی، تضمین امنیت حقوقی - قضایی یعنی رعایت حقوق و آزادی‌های شهروندان و حقوق مظنون، متهم و مجرم تحت الشعاع تضمین امنیت جسمانی و مالی شهروندان و نظم عمومی (حقوق کیفری امنیت‌مدار) قرار گرفته و پیشگیری اجتماعی از بزهکاری به تدریج، جای خود را به پیشگیری وضعی از جرم می‌دهد (جرم‌شناسی امنیتی) (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱: ۱۶).

۳ دادرسی منصفانه را می‌توان مجموعه تضمینات و ملاک‌های پیش‌بینی شده در ساز و کار قضایی دانست که هدف آنها، پاسداشت حقوق اصحاب دعوا در پروسه رسیدگی به انواع دعاوی نزد محکمه صالح، بی‌طرف و مستقل می‌باشد (آقایی طوق و همکاران، ۱۳۸۸: ۸۹). در چهارچوب آیین دادرسی کیفری، اصولی وجود دارند که با هدف ایجاد توازن و تعادل میان قدرت حاکمیت و آزادی‌های فردی و رعایت تساوی اصحاب دعوی هم در اسناد بین‌المللی و هم در قوانین اساسی کشورها پیش‌بینی می‌شوند که با عنوان اصول دادرسی منصفانه در عرصه حقوق کیفری مورد شناسایی قرار می‌گیرند (رستمی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۴۱). به حاشیه رانده شدن موازین دادرسی منصفانه و تأثیرپذیری کیفیت ادله و روند دادرسی از فضای احساسی حاکم بر رسانه‌ها و جامعه یکی دیگر از آثار و نمادهای عوام‌گرایی در سیاست‌های کیفری است (مقدسی و فرجیها، ۱۳۹۷: ۱۹۷).

همچنین گفتمان مسئولان ایران در مورد کنترل پدیده بزه کاری و تأمین امنیت، میزان تأثیرپذیری سیاست جنایی ایران از این پدیده را مورد بررسی قرار داده است. یافته‌های نویسنده حاکی از آن است که جرائم اقتصادی، جرائم مبارزه با مواد مخدر و جرائم علیه امنیت، بیشترین تأثیر را از این پدیده داشته‌اند. این امر منجر به تسریع در فرایند رسیدگی، تشهير رسانه‌ای محکومان و به طور کلی نقض اصول دادرسی و از بین رفتن حقوق متهمان شده است. همچنین جعفری و احمدی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «عوام‌گرایی در عرصه سیاست‌گذاری کیفری زیست محیطی»، با بیان اینکه مؤلفه‌های سیاست عوام‌گرا را می‌توان در مقطعی بودن، احساسی بودن، غیرکارشناسانه بودن، ناکارآمد بودن و تورم جرم‌انگاری‌ها نظاره‌گر بود و سیاست کیفری عوام‌گرا به هیچ وجه به دنبال کشف علل اصلی ارتکاب جرائم نیست و مترصد آن است که با کنارزدن مدل سیاست جنایی نخبه‌گرا، با اتخاذ پاسخ‌های قاطعانه و سریع، رضایت افکار عمومی را جلب کند، به بررسی نمودها و جلوه‌های سیاست کیفری عوام‌گرا در عرصه سیاست‌گذاری کیفری زیست محیطی در اروپا و ایران پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهشگران حاکی از آن است که سیاست کیفری ایران (درخصوص محیط زیست) در راهی قدم گذاشته که اروپا آن را تجربه کرده است. از این رو ضروری است که برای جلوگیری از ظهور عوام‌گرایی در سطح تقنینی و تأثیر آن در اقدامات زودگذر، احساسی و آتی، چاره‌ای اندیشیده شود و تضمینات مناسبی اتخاذ گردد. در این صورت، سیاست کیفری زیست محیطی از حالت مقطعی بودن خود خارج شده و جنبه اجرایی کارآمد به خود می‌گیرد. حسینی و اسمعیل‌زاده (۱۳۹۳) نیز در مقاله‌ای تحت عنوان «جنبه‌های عوام‌گرای سیاست کیفری ایران در قبال فساد اقتصادی»، با بیان این که حساسیت جایگاه نظام اقتصادی و تأثیر فساد اقتصادی بر حوزه‌های اجتماعی و سیاسی در کنار پیامدهای نامطلوب عوام‌گرایی کیفری، بررسی این رویکرد در حوزه فساد اقتصادی را ضروری ساخته است، به تبیین و بررسی جنبه‌های عوام‌گرای سیاست کیفری ایران در قبال فساد اقتصادی پرداخته‌اند. یافته‌های نویسندگان حاکی از آن است که پیگیری سیاست‌های کیفری عوام‌گرا در مبارزه با فساد اقتصادی سبب شده در بسیاری موارد، امنیت‌گرایی بر ملاحظات اقتصادی پیشی گرفته و جرم‌انگاری و کیفرگذاری در سیاست کیفری ماهوی با اصول بنیادینی همچون اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها هم‌خوانی نداشته باشد. همچنین تشکیل یا پیش‌بینی سازمان‌ها و ساختارهای جدید مبارزه با فساد اقتصادی پس از وقوع رویدادهای مجرمانه، بدون تبیین دقیق وظایف، در بسیاری موارد واکنشی شتاب زده به فساد اقتصادی بوده و حتی کارآیی لازم را نخواهد داشت. علاوه بر موارد گفته شده، مقدسی (۱۳۹۰) نیز در رساله دکتری با عنوان «عوام‌گرایی کیفری و جلوه‌های آن در سیاست کیفری ایران»، با بیان این که شاخص‌ترین پیامدهای عوام‌گرایی کیفری، تورم قوانین کیفری، تحدید موازین دادرسی منصفانه، افزایش جمعیت کیفری و هزینه‌های نظام عدالت کیفری است، تلاش نموده ضمن معرفی عوام‌گرایی کیفری، ویژگی‌ها، بسترها و پیامدهای آن و همچنین جلوه‌های آن در سیاست کیفری ایران را شناسایی، توصیف و تحلیل نماید. یافته‌های رساله نشان می‌دهد که جلوه‌های عوام‌گرایی کیفری عموماً در سیاست کیفری جرائم جنسی، جرائم خشونت‌بار، جرائم مواد مخدر، بزهکاری نوجوانان و جوانان و مفاصد اقتصادی متجلی شده است. وضع سیاست‌های احساسی، عامه‌پسند و عموماً سخت‌گیرانه، سیاست‌گذاری مبتنی بر وقایع مجرمانه‌ی روزمره، گرایش به توسعه دامنه مداخله کیفری، استفاده از سازوکارهای کیفری نمایشی و بی‌اعتنایی به اصول و موازین حقوق کیفری از مهم‌ترین نمادهای نفوذ عوام‌گرایی به سیاست کیفری جرائم مذکور است. بر این اساس، سیاست‌گذاری بر مبنای اصول علمی و منطقی، توجه به دیدگاه‌های محققان و یافته‌های تحقیقات تجربی و اجتناب از حرکت‌های احساسی، مؤثرترین تدابیر برای مقابله با عوام‌گرایی کیفری است. وجه تمایز رساله پیش‌روی با پژوهش‌های اشاره شده که در واقع، جنبه نوآورانه آن نیز هست، اتخاذ رویکرد جامعه‌شناسانه نسبت به پدیده عوام‌گرایی کیفری و تمرکز بر تبیین و تحلیل بسترهای اجتماعی شکل دهنده و به وجود آورنده‌ی آن می‌باشد.

## مفاهیم پژوهش

عوام‌گرایی در ادبیات علوم سیاسی به مفهوم جریانی سیاسی است که در آن، باورها و اعتقادات مردم در تدوین تصمیم‌های سیاسی، نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کنند. جلب پشتیبانی مردم با توسل به وعده‌های کلی و مبهم و معمولاً تحت کنترل رهبری فرهمند، پیشبرد هدف‌های سیاسی مستقل از احزاب و فراخوانی مردم به اعمال فشار مستقیم بر حکومت از جمله ویژگی‌های این جریان است. عوام‌گرایی بیانگر دغدغه گروه‌هایی از جامعه است که معتقدند در سیاست‌گذاری‌های دولتی، نادیده انگاشته شده‌اند و به دیدگاه‌های کارشناسانی که به این دغدغه‌ها بی‌اعتنایند، بدبین هستند (فرجیها و مقدسی، ۱۳۹۰: ۱۱۵). در دهه‌های اخیر و با توسعه عوام‌گرایی، شاهد نفوذ آن به حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی و همچنین کیفری هستیم. امروزه علاوه بر عوام‌گرایی سیاسی از عوام‌گرایی اقتصادی، فرهنگی و کیفری نیز یاد می‌شود. واژه عوام‌گرایی کیفری از جمله ابداعاتی است که جرم‌شناسان در دو دهه اخیر تحت تأثیر ویژگی‌ها و خصوصیات عوام‌گرایی سیاسی، برای نوع خاصی از سیاست‌گذاری کیفری به کار برده‌اند (سلحشور، ۱۳۹۴: ۲۸). مطالعه ادبیات جرم‌شناسی نشان می‌دهد که به رغم گذشت دو دهه از به کارگیری اصطلاح عوام‌گرایی کیفری توسط جرم‌شناسان، تعریف واحدی از آن ارائه نشده است؛ با این حال جرم‌شناسان بر این امر اتفاق نظر دارند که در رویکرد عوام‌گرایی کیفری، بسیاری از ویژگی‌های عوام‌گرایی سیاسی مشاهده‌پذیر است (مقدسی، ۱۳۹۰: ۲۷)؛ بنابراین عوام‌گرایی کیفری، رویکردی است که بر اساس آن، سیاست‌گذاران و دست‌اندرکاران عدالت کیفری به منظور جلب آرای عمومی، کسب مشروعیت و حمایت عامه مردم، بدون توجه به یافته‌های علمی، دیدگاه‌های نخبگان و معیار اثربخشی و کارآمدی، سیاست‌ها و برنامه‌هایی را تدوین و اجرا می‌کنند که همسو با انتظارات مقطعی و زودگذر مردم است (فرجیها و مقدسی، ۱۳۹۳: ۲۷).

## روش‌شناسی پژوهش

نوع مطالعه حاضر، توصیفی بوده و روش بکار گرفته شده در آن، توصیفی - تحلیلی می‌باشد. توصیفی بدین معنا که به توصیف و تبیین موضوع کلیدی مورد مطالعه (عوام‌گرایی کیفری) و مباحث پیرامون آن می‌پردازد و تحلیلی از این حیث که با رویکرد جامعه‌شناختی، سعی در ریشه‌یابی عوام‌گرایی کیفری و شناخت زمینه‌ها و بسترهای شکل‌گیری آن دارد. نظر به عنوان مقاله و توصیفی - تحلیلی بودن روش آن، جامعه آماری و نمونه خاصی در گردآوری و تحلیل اطلاعات، مورد نظر نگارنده نبوده و زمینه‌ها و بسترهای اجتماعی عوام‌گرایی کیفری، مورد تبیین و تحلیل جامعه‌شناختی واقع خواهند گردید. روش گردآوری داده‌ها نیز کتابخانه‌ای بوده و با استناد به کتاب‌ها، مقاله‌ها، اسناد و پایگاه‌های اینترنتی خواهد بود. ابزار تجزیه و تحلیل داده‌ها، ترکیبی از تحلیل داده‌های علمی، استدلال و استنتاج منطقی خواهد بود؛ به بیان دیگر، با توجه به رویکرد کلی پژوهش مبنی بر استفاده از روش پلکانی توصیفی، تبیین و تحلیل متغیر مورد مطالعه، روش تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از این امر تبعیت خواهد نمود.

## یافته‌ها

### بسترهای اجتماعی بروز و پیدایش عوام‌گرایی کیفری

به طور کلی، اجتماع در مفهوم مصطلح کلمه یا همان نظام اجتماعی، عبارت است از نظام کنش‌های متقابل در یک محیط معین بین عامل‌های انگیزه‌داری که در درون یک فرهنگ، باهم در ارتباطات هستند (توسلی، ۱۳۹۱: ۱۹۰). آنچه در این قسمت به عنوان مهمترین بخش پژوهش، مدنظر نگارنده است، تبیین و تحلیل مهم‌ترین زمینه‌ها و بسترهای موجود در نظام اجتماعی است که هر یک سهم مهمی را در بروز عوام‌گرایی عهده‌دار هستند.

### الف) فقدان یا ضعف آگاهی عمومی

سیاست‌مداران حامی عوام‌گرایی کیفی در کشورهای مختلف، با استناد به اینکه مردم، توان فهم مسائل و ارائه راهکارهای مناسب را دارند، خود را بی‌نیاز از تحلیل‌های کارشناسی دانسته، تنها از دسته‌ای از یافته‌های علمی حمایت می‌کنند که با دیدگاه‌ها و نگرش عموم مردم همسو باشد. با این حال، پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد به موازات افزایش میزان شناخت و سطح آگاهی‌های عمومی نسبت به جرم و بسترهای اجتماعی- فرهنگی بروز پدیده‌های مجرمانه، نگرش مردم نسبت به عدالت کیفی و روش‌های کنترل جرم نیز به طور زیربنایی دگرگون خواهد شد (مقدسی و فرجیها، ۱۳۹۲: ۱۳۸)؛ اگر مردم آگاهی یابند که بیشتر پاسخ‌های کیفی رسمی به جرم، با وجود هزینه‌های گزاف اقتصادی و اجتماعی، از کارایی و اثربخشی لازم برخوردار نیست، سطح انتظارات خود را از ابزارهای کیفی تعدیل کرده، از پاسخ‌های مبتنی بر مبانی علمی که اثربخشی بیشتری دارند، حمایت خواهند کرد؛ همچنین آشنایی افکار عمومی با بسترهای اجتماعی- اقتصادی گرایش به رفتارهای مجرمانه و اینکه بدون ایجاد هرگونه تغییر در متغیرهای تأثیرگذار بر جرم، نمی‌توان به کاهش جرم امیدوار بود، به یقین سطح اتکای باورهای مردم به ابزارهای کیفی را کاهش خواهد داد (همان: ۱۴۱). با وجود آنچه گفته شد، بایستی اذعان داشت که واکنش اولیه افکار عمومی نسبت به رویدادهای مجرمانه، معمولاً سخت‌گیرانه است و پاسخ‌های قضایی را بسیار خفیف و ناعادلانه می‌داند؛ به گونه‌ای که حتی اقسار تحصیل کرده نیز در برخورد با پدیده مجرمانه، خصوصاً اگر وحشت‌انگیز باشد، خواهان اتخاذ مجازات‌های شدید هستند. این دغدغه، در بستر فضای رعب‌انگیزی که رسانه‌های گروهی می‌آفرینند، شدت بیشتری می‌یابد (پاک‌نیت، ۱۳۹۶: ۱۵۰)؛ اما هنگامی که مردم با واقعیت‌های پرونده از جمله علل و عوامل وقوع جرم، ویژگی‌های فردی و اجتماعی مرتکب و نقش بزه دیده در ارتکاب جرم آشنا می‌شوند، همراهی بیشتری با سیاست‌های قضایی منطقی و غیراحساسی از خود نشان می‌دهند (Keijser, et.al, 2007 : 131-161).

### ب) تأثیر رسانه‌های گروهی

گروهی از صاحب‌نظران همچون پروفیسور مک لوهان، ذهن افراد را به شدت تحت تأثیر رسانه‌ها دانسته و معتقدند که رسانه‌ها بالاخص الکترونیک، انسان را قادر می‌سازد تا جهان را چونان یک کل درک کند (Hitch, 2009 : 571). امروزه رسانه‌های گروهی قدرتمندی وجود دارند که کارکرد خود را در ابعاد مختلف از رادیو و تلویزیون گرفته تا نرم افزارهای تلفن همراه توسعه داده‌اند. با ورود و توسعه رسانه‌های گروهی، خرده فرهنگ‌ها و فرهنگ‌های خاص و مجزا، ناپدید می‌شوند و به نوعی، تمامی ساکنان یک جامعه، تشابه می‌پذیرند و در سبک زندگی، علائق و خواسته‌ها از الگوهای مشابهی که رسانه‌های گروهی به آنان می‌دهند، برخوردار می‌شوند (ساروخانی، ۱۳۸۲: ۸۸). رسانه‌های گروهی با انعکاس اخبار مربوط به پدیده‌های جنایی، نگرش خاصی را به مردم تحمیل می‌کنند و چگونگی قضاوت و داوری آنان درباره جرم و عدالت کیفی را سازمان می‌دهند. خبرنگاران، دبیران سرویس خبری روزنامه‌ها و مدیران مسئول تنظیم خبر و گزارش، با انتخاب موضوع و چگونگی انتقال این اطلاعات به مردم، نقش مؤثری در تعیین محدوده جرم و انحراف بازی می‌کنند. آن‌ها با انتخاب حوادث جنایی و نحوه انعکاس آن، در واقع محدوده رفتارهای مجاز را تعریف و معیارهایی را در این زمینه به جامعه ارائه می‌کنند. بدین ترتیب رسانه‌ها از یک سو توانایی تشدید احساس ناامنی، ترویج بزهکاری و تشویق افراد مستعد ارتکاب جرم را دارند و از سوی دیگر با ایفای نقش اطلاع‌رسانی مسئولانه و ترویج الگوهای زندگی سالم، می‌توانند در کاهش وقوع جرم و تأمین احساس امنیت، مؤثر باشند (فرجیها، ۱۳۸۵: ۵۸). گذشته از این، برجسته‌سازی، یکی از شیوه‌هایی است که از طریق آن، رسانه‌های گروهی می‌توانند بر عامه تأثیر بگذارند؛ بدین صورت که رسانه خبری با ارائه خبرها، موضوعاتی را که عامه راجع به آن‌ها فکر می‌کنند را تعیین می‌نمایند (حبیب زاده و شریف شهری، ۱۳۹۴: ۶۴). رسانه‌های گروهی معمولاً با برجسته سازی احساسی و هیجانی پدیده‌های مجرمانه، کارآمدی الگوهای اصلاح و درمان مجرمان را زیر سؤال برده و تمرکز بر رویکردهای اصلاحی را فاقد اثربخشی و موجب افزایش ارتکاب جرم و ناامنی

می‌دانند. رسانه‌ها گاهی با استناد به نظرسنجی‌های عمومی، مدعی حمایت مردم از سیاست‌های سخت‌گیرانه و سرکوب‌گرانه می‌شوند و بر ضرورت تأمین انتظارهای افکار عمومی در سیاست‌گذاری، اصرار می‌ورزند (فرجیها و مقدسی، ۱۳۹۳: ۲۹). بازنمایی رسانه‌ای جرائم، معمولاً به گونه‌ای است که توجه افکار عمومی را از عوامل زیربنایی مانند بیکاری و نابرابری‌های اجتماعی منحرف کرده و به سوی سیاست‌های مبتنی بر مقابله و سرکوب معطوف می‌سازد.

### ج) ترس از جرم

ترس، از ریشه‌دارترین و نیرومندترین احساسات بشری است و احساسی شایع و رایج در میان افراد بشری است و نوعی احساس نگرانی و دل‌مشغولی است که از اندیشه مواجهه و رویارویی با خطرها و بدقابلی‌ها ناشی می‌شود. احساس ترس و ناامنی ممکن است ناشی از عوامل طبیعی یا تصنعی باشد (قماشی و احمدی، ۱۳۹۷: ۱۹). ترس از جرم یکی از موارد است. بحث ترس از جرم، موضوعی بسیار پیچیده است، آقای فرستبرگ در سی و اندی سال پیش درباره ترس از جرم اظهار نظری نموده اند که هنوز هم آن را می‌توان حاصل جمع یافته‌های محققان در خصوص ترس از جرم در سال‌های اخیر دانست: «رابطه جرم با عواقب آن نه روشن است و نه ساده» (سیدزاده ثانی و کرمانی، ۱۳۹۲: ۱۲۰). احساس ترس از جرم پدیده‌ای شایع و یکی از معضلات جوامع نوین است. عواملی از قبیل جنسیت، سن، سابقه بزه‌دیدگی و محیط زندگی فرد در شکل‌گیری و تشدید این پدیده اثرگذارند. ترس از جرم در حد متعادل و متناسب با احتمال بزه‌دیدگی، کاملاً طبیعی است و اگر موجب گردد که شهروندان اقدامات مناسبی برای اجتناب از جرایم انجام دهند، کارکرد حمایتی مهمی خواهد داشت. اما وقتی این احساس، بُعد افراطی به خود گیرد، آثار فردی و اجتماعی گسترده‌ای در پی خواهد داشت (پاک‌نهاد، ۱۳۹۲: ۱۵۵). سیاست‌مداران به خوبی به اهمیت و قدرت اثرگذاری ترس از جرم واقف بوده و از آن در پیشبرد اهداف خود استفاده می‌کنند. دولت‌مردان در جهت اعمال سیاست‌های خود، ترس از جرم را مدیریت و هدایت می‌کنند (قماشی و احمدی، منبع پیشین: ۲۰). ترس از جرم همچنین نقشی مهم در سوق دادن افکار عمومی به سمت رویکردهای سرکوب‌گرانه و افراطی نسبت به جرم دارد؛ در واقع ترس از جرم، تقاضای افراد برای کیفر مرتکبان را بالا می‌برد. آن‌ها می‌پندارند که مجازات سنگین می‌تواند عامل مهمی جهت پیشگیری و حذف پدیده جنایی باشد (نیکوکار و همت‌پور، ۱۳۹۱: ۷۸-۷۷).

### نتیجه‌گیری

عوام‌گرایی کیفری، هنگامی ظهور می‌کند که نظام عدالت کیفری به منظور پاسخ‌گویی به نگرانی‌های عمومی درخصوص افزایش نرخ جرائم، به جای استفاده از راه حل‌های علمی مورد تأیید کارشناسان و نخبگان، به راه حل‌های سریع و ساده که هیچ‌گونه توجیه علمی ندارند، متوسل شود. پیدایش عوام‌گرایی کیفری نتیجه تحول در محورهای قدرت کیفری معاصر است که وسعت این تحولات، از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت بوده و به شرایط خاص محلی و منطقه‌ای آن‌ها مرتبط است. تبیین و ارزیابی جامعه‌شناسانه‌ی پدیده عوام‌گرایی کیفری با تمرکز بر شناخت بسترها و زمینه‌های اجتماعی آن نشان داد که بسترهای اجتماعی متعددی منجر به پیدایش پدیده مزبور در سطح نظام عدالت کیفری و سیاست جنایی می‌گردند که ضعف یا فقدان آگاهی عمومی، تأثیر غیرقابل انکار رسانه‌های گروهی و همچنین احساس فزاینده ترس از جرم در سطح افکار عمومی از مهمترین آنهاست. درخصوص

<sup>۱</sup> تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد بین الگوهای انتشار اخبار جرایم خشونت‌بار در رسانه‌ها و میزان واقعی ارتکاب این جرایم، رابطه منطقی وجود ندارد. به عنوان نمونه طبق ارزیابی‌های انجام شده در آمریکا درزمینه مقایسه اخبار جنایی رسانه‌ها و آمار رسمی در فاصله سال‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۸۸، جرایم خشونت‌بار بسیار بیشتر از آنچه ارتکاب می‌یابند در رسانه‌ها منتشر می‌شوند. بر اساس این ارزیابی در بازه زمانی مذکور، نسبت گزارش اخبار جرایم خشونت‌بار در مقایسه با جرایم علیه اموال ۸ به ۲ بوده است؛ درحالی‌که طبق آمارهای رسمی میزان ارتکاب جرایم علیه اموال نسبت به جرایم خشونت‌بار، ۹ به ۱ بوده است (مقدسی و فرجیها، ۱۳۹۷: ۱۹۲).

آگاهی عمومی، طبیعی است که چنانچه مردم از فقدان کارایی و اثربخشی پاسخ‌های کیفری رسمی آگاه شده و با بسترهای اجتماعی - اقتصادی گرایش به رفتارهای مجرمانه آشنا گردند، از پاسخ‌های مبتنی بر مبنای علمی که اثربخشی بیشتری دارند، حمایت خواهند کرد. در مورد تأثیر رسانه‌های گروهی، بایستی گفت که رسانه‌های مزبور با شکل ویژه انعکاس اخبار جنایی، نگرش خاصی را به مردم تحمیل می‌کنند و چگونگی قضاوت و داوری آنان درباره جرم و عدالت کیفری را سازمان می‌دهند. این انعکاس یا بازنمایی رسانه‌ای جرائم، معمولاً به گونه‌ای است که افکار عمومی را به سوی سیاست‌های مبتنی بر مقابله و سرکوب معطوف می‌سازد و در نهایت، در ارتباط با ترس از جرم، بایستی گفت که افزایش غیرطبیعی این متغیر، موجب افزایش تقاضای افراد به منظور مجازات مرتکبان شده و این تصور را در ذهن افراد ایجاد می‌نماید که کیفر سنگین، عامل مؤثری به منظور پیشگیری و حذف پدیده جنایی است. به نظر می‌رسد مهار زمینه‌های اجتماعی به وجود آورنده عوام‌گرایی کیفری، مستلزم عزم جدی نهادهای متولی فرهنگی، رسانه‌ای و کیفری، وجود ساز و کار هماهنگ‌کننده قانونی میان نهادهای مزبور و نیز بهره‌گیری از تجربیات کشورهای غربی در این زمینه است.

## منابع

۱. آقایی طوق، مسلم. لطفی، حسن. رستمی، ولی. ۱۳۸۸. دادرسی عادلانه در مراجع اختصاصی اداری ایران. چاپ اول. تهران. انتشارات گرایش.
۲. الهی منش، محمدرضا. تقی‌زاده، محرم. ۱۳۹۷. سیاست عوام‌گرایانه در مبارزه با جرائم اقتصادی با تأکید بر نقش پلیس. فصلنامه کارآگاه. ۱۱ (۴۳). صص ۱۳۴-۱۲۰.
۳. پاک‌نهاد، امیر. ۱۳۹۲. احساس ناامنی و ترس از جرم. دوفصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری. ۵، صص ۱۸۰-۱۵۵.
۴. پاک‌نیت، مصطفی. ۱۳۹۶. افتراقی شدن دادرسی کیفری. چاپ اول. تهران. انتشارات میزان.
۵. توجهی، عبدالعلی. برنجی اردستانی، مرجان. ۱۳۹۱. بررسی جایگاه امنیت‌گرایی در سیاست کیفری ایران و آمریکا. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری. ۱ (۲). صص ۹۱-۶۷.
۶. توجهی، عبدالعلی. دهقانی، علی. ۱۳۹۲. در جدال امنیت‌گرایی و موازین دادرسی منصفانه. دوفصلنامه پژوهش حقوق کیفری. سال ۲. شماره ۳. صص ۳۴-۷.
۷. توسلی، غلامعباس. ۱۳۹۱. نظریه‌های جامعه‌شناسی. چاپ هجدهم. تهران. انتشارات سمت.
۸. جعفری لنگرودی، محمدجعفر. ۱۳۸۷. ترمینولوژی حقوق. چاپ بیستم. تهران. انتشارات گنج دانش.
۹. حبیب‌زاده، اصحاب. شریف شهری، میرکاظم. ۱۳۹۴. نقش رسانه‌ها (مطبوعات) در مبارزه با جرائم اقتصادی. فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی. ۱۰ (۱). صص ۷۸-۵۵.
۱۰. حسینی، سید حسین. اسمعیل‌زاده، لیدا. ۱۳۹۳. جنبه‌های عوام‌گرایی سیاست کیفری ایران در قبال فساد اقتصادی، فصلنامه رفاه اجتماعی. ۱۴ (۵۴). صص ۲۴۱-۲۰۱.
۱۱. دلماس مارتی. میری. ۱۳۹۵. نظام‌های بزرگ سیاست جنایی. ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی. چاپ ششم. تهران. انتشارات میزان.
۱۲. رستمی، ولی. رستمی، سینا. کبگانی، محمد حسن. ۱۳۹۹. اساسی‌سازی اصول دادرسی کیفری؛ تحلیل تعارض‌های قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با قانون اساسی، مجله حقوقی دادگستری. ۸۴ (۱۱۲). صص ۱۵۵-۱۳۵.
۱۳. ساروخانی، باقر. ۱۳۸۲. جامعه‌شناسی ارتباطات. چاپ دوازدهم. تهران. انتشارات اطلاعات.



۱۴. سلحشور، افشین. ۱۳۹۴. مبانی و مصادیق عوام‌گرایی در قوانین کیفری ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی. دانشگاه کردستان. دانشکده علوم انسانی و اجتماعی.
۱۵. سیدزاده ثانی، سید مهدی. کرمانی، سعید. ۱۳۹۲. ترس از جرم در مشهد: میزان و عوامل. دوفصلنامه پژوهش‌نامه حقوق کیفری. ۴(۲)، صص ۱۵۱-۱۱۹.
۱۶. غلامی، حسین. ۱۳۸۹. جرم یا جنگ؟. مجموعه مقالات بزرگداشت استاد دکتر ابوالقاسم گرجی. جلد دوم. چاپ اول. تهران. انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی. صص ۴۵۰-۴۲۹.
۱۷. فرجیها، محمد. ۱۳۸۵. بازتاب رسانه‌ای جرم. فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی. ۶(۲۲)، صص ۸۶-۵۷.
۱۸. فرجیها، محمد. مقدسی، محمد باقر. ۱۳۹۰. رویکرد عوام‌گرایی کیفری به جرائم جنسی. فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی. ۱۵(۲). صص ۱۳۲-۱۱۳.
۱۹. فرجیها، محمد. مقدسی، محمد باقر. ۱۳۹۳. جلوه‌های عوام‌گرایی در سیاست‌های کیفری مواد مخدر. فصلنامه تحقیقات حقوقی. ۱۷(۶۸). صص ۴۸-۲۵.
۲۰. قماش، سعید. احمدی، انور. ۱۳۹۷. بسترهای پیدایش عوام‌گرایی در دادرسی کیفری. فصلنامه تحقیقات حقوقی معاهده. ۲(۴). صص ۵۰-۱۱.
۲۱. معین، محمد. ۱۳۷۳. فرهنگ فارسی. چاپ دهم. تهران. انتشارات امیرکبیر.
۲۲. مقدسی، محمد باقر. ۱۳۹۰. عوام‌گرایی کیفری و جلوه‌های آن در سیاست کیفری ایران. رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی. دانشگاه تربیت مدرس. دانشکده علوم انسانی.
۲۳. مقدسی، محمد باقر. فرجیها، محمد. ۱۳۹۲. ویژگی‌های سیاست‌های کیفری عوام‌گرا؛ مطالعه تطبیقی. دوفصلنامه مطالعات حقوق تطبیقی، ۴(۲)، صص ۱۵۵-۱۳۷.
۲۴. مقدسی، محمد باقر. فرجیها، محمد. ۱۳۹۷. واکنش‌های کیفری عوام‌گرا در مقابله با جرایم خشونت‌بار در ایران. فصلنامه پژوهش‌های حقوقی. ۱۷(۳۶). صص ۲۱۰-۱۸۹.
۲۵. مندنی، اسلام. ۱۳۹۴. سیاست جنایی امنیت مدار و نظام کیفری حقوق بشر. چاپ اول. تهران. انتشارات مجد.
۲۶. مهرا، نسرین. یکرنگی، محمد. مؤذن، عباس. ۱۳۹۷. سیاست کیفری ایران بعد از انقلاب در تعزیرات. مجله حقوقی دادگستری. ۸۲(۱۰۳). صص ۲۰۰-۱۷۵.
۲۷. نجفی ابرندآبادی، علی حسین. ۱۳۹۰. تقریرات سیاست جنایی. دوره دکتری تخصصی حقوق کیفری و جرم‌شناسی. دانشگاه شهید بهشتی. دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
۲۸. نجفی ابرندآبادی، علی حسین. ۱۳۹۱. درباره امنیت‌شناسی (از حق بر امنیت تا حق بر تأمین). دیباچه در رضوانی، سودابه. مدیریت انسان‌مدار ریسک جرم. چاپ اول. تهران. انتشارات میزان.
۲۹. نیکوکار، حمیدرضا. همت‌پور، بهاره. ۱۳۹۱. ترس از جرم. چاپ اول. تهران. انتشارات میزان.
۳۰. هژیرالساداتی، هانیه. ۱۳۸۹. عوام‌گرایی کیفری و جلوه‌های آن در سیاست کیفری تطبیقی و ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد. دانشکده حقوق علوم سیاسی و زبان‌های خارجه.

31. Hitch, B. 2009. Computer Forensics and Cyber Crime: An Introduction. Manhattan.. Sant mata Publication.

32. Keijser, J.W. Koppen, P.J. Elffers, H. 2007. Bridging the gap between judges and the public? A multi method study, Journal of Experimental Criminology. Vol. 3 (2).

## A Sociological Approach to the Penal Populism Phenomenon

Fatemeh Dehdarzade<sup>1\*</sup>

Assistant Professor Department of Social Sciences, Payam Noor University, Tehran, Iran (Corresponding Author)

**Abstract:** *Adopting a penal populist approach by the criminal justice administrators and policymakers has been one of the most important damages the different systems of criminal justice have been faced with in the recent decades. By reviewing all the available literature on the issue and, using descriptive-analytical methods and library studies, the present research tried to study the penal populism phenomenon through a sociological approach. In other words, as its most important objective, the present research is concerned with explaining and analyzing sociological contexts leading to the formation of penal populism. The findings showed that different sociological contexts help in rising penal populism phenomenon in a criminal justice system and criminal policy - from which public ignorance, undeniable impacts of mass media, and ever increased public fear of crime can be mentioned as the most important ones. It seems that, determination by institutions of cultural, media, and criminal justice administrations, mechanisms for legal arrangements among those institutions, and using western countries relevant experiences are of necessities in controlling those sociological contexts which help in creating penal populism.*

**Key words:** *Sociological context, Fear of crime, Mass media, Criminal policy, Penal populism.*

---

<sup>1</sup> E-mail: f.dehdar@pnu.ac.ir (Corresponding Author)